امتیاز

چهارشنبه ۸ شهریور ۱۳۹۶
۸ ذی‌الحجه ۱۴۳۸ ● ۳۰ آگوست ۲۰۱۷
شماره ۲۲۸۶ ● ۱۲ صفحه

متن میثاق‌نامه روزنامه‌نگاری در سایت روزنامه موجود است

روزنامه فرهنگی، هنری، ورزشی، اجتماعی صبح کشور
صاحب امتیاز و مدیرمسوول: غلامحسین شعبانی
دبیر تحریریه: هومن جعفری
نشانی: میدان انقلاب - خیابان جمالزاده‌شمالی
پلاک ۲۶۰ واحد ۵

پست الکترونیکی:
info@emtiazdaily.ir
تلفن: ۶۶۵۹۶۸۰۹
آگهی دولتی: ۶۶۵۶۷۷۶۴ - آگهی شهرستان ها: ۶۶۶۵۰۰۹۹
لیتوگرافی و چاپ: ریحان

WWW.EMTIAZDAILY.IR

اخبار

مستند «آخرین مسیح» از انتظار شیعه و سنی می گوید

مستند «آخرین مسیح» به کارگردانی و نویسندگی سیدسعید صدرزاده با موضوع زوایای مشترک انتظار در نزد شیعه و سنی جلوی دوربین می رود.«آخر الزمان» و «ظهور منجی» سال‌ها است یکی از مهم‌ترین دغدغه ذهنی پیروان ادیان مختلف محسوب می‌شود. این موضوع در سال‌های گذشته وارد مباحث مرتبط با حوزه سیاست نیز شده و حالا در مستندی بلند، از زوایه‌ای متفاوت این موضوع به تصویر کشیده می‌شود.سید سعید صدرزاده نویسنده و کارگردان حوزه تئاتر و تلویزیون و سازنده مستند «آخرین مسیح» در این باره گفت: انتظار یا امید به بهتر بودن و بهتر شدن، نشانه نیاز به تکامل و نیل به سوی سعادت است. مسئله انتظار در همه ادیان به عنوان یک ارزش والا و حسن برای هر مکتب و ایدئولوژی مطرح بوده است. نیاز به ناجی یکی از مسائل فطری انسان است که پس از پروردگار به نیرویی نیاز دارد که هم زوایای انسانی دارد و هم از ذات خدایی قدرت مادی و معنوی می‌گیرد.وی بیان کرد: در ادیان الهی به ویژه ادیان ابراهیمی این موضوع به شدت پررنگ است. انتظار قائم در تشیع و انتظار مهدی آخر الزمان در مکتب اهل سنت یکی از ارزش‌های بی بدیل مشترک وحدت اسلامی است و فرقه‌های مختلف اسلامی، نگاه‌های مشترکی نسبت به این مسئله دارند. حالا در این مستند زوایای مشترک انتظار در نزد شیعه و سنی بررسی می شود. جالب است بدانید در نزد ما و برادران سنی مذهب همه چیز مشترک است و فقط یک یا دو قرائت متفاوت از آن وجود دارد. صدرزاده در پایان عنوان کرد: این اثر مستند به صورت سفرنامه‌ای و در جغرافیایی به گستره ایران تولید می‌شود. شهرهای چابهار، زاهدان، ارومیه، سنندج، تربت جام، بندر ترکمن و بندر عباس برخی از مقصدهای سازندگان این اثر برای ملاقات با علمای اهل سنت و ضبط تصاویر هستند.این فیلم مستند بر اساس پژوهش مشترک سیدسعید صدرزاده و مرجان اکبری با حضور این عوامل تولید می شود مشاور پروژه: عبدالحمید طالبی، تصویربردار: سینا اقبال نیک، صدابردار: علیرضا توکلی، تدوین: سیدسعید صدرزاده، مجید دوستی، بهنام دربندی، موسیقی: مجید رضازاده، خوانندگان: گروه همسرایی محراب، مجری طرح: موسسه فرهنگی هنری تصویر آفتاب سرخ و موسسه فرهنگی سنت.

نمایش «بانویی در وَن» نوشته آلن بنت در شهر لندن

این روزها تئاتر «بث رویال» شهر لندن میزبان نمایش «بانویی در وَن» نوشته آلن بنت است که با نقش آفرینی سارا کستلمن بازیگر برنده جایزه اولیویه اجرا می شود.سارا کستلمن یکی از بازیگران توانا و مستعد نسل خود است که پیش از این برای نقش های متعددی که بر صحنه تئاتر ایفا کرده، تحسین منتقدان تئاتر را برانگیخته است. وی همچنین با سم مندز کارگردان مطرح سینما و تئاتر نیز همکاری داشته و توانسته جایزه معتبر اولیویه را هم از آن خود کند.وی در جدیدترین تجربه تئاتری خود در نمایش «بانویی در وَن» به نقش آفرینی پرداخته است. این نمایشنامه نوشته آلن بنت است که با کارگردانی جاناتان چرچ در تئاتر «بث رویال» لندن اجرا می شود.سم الکساندر، ویلیام گانت و جیمز نورث کد نیز از جمله بازیگرانی هستند که در نمایش «بانویی در وَن» به ایفای نقش می پردازند.پیش از این و در سال ۲۰۱۵ نیز فیلم «بانویی در وَن» به کارگردانی نیکلاس هایتنر تولید و اکران شد که فیلمنامه آن نیز توسط آلن بنت نوشته شده بود و بنت در این فیلم به ایفای نقش نیز پرداخت.«بانویی در وَن» روایتگر زندگی زن مسنی است که به دلیل برخی شرایط اجتماعی از داشتن سرپناه محروم می شود و از این رو داخل یک اتومبیل وَن قدیمی به زندگی خود ادامه می دهد.

«بیست و یک روز بعد» اتفاقات زندگی یک نوجوان

«بیست و یک روز بعد» که این روزها در سینماهای کشور اکران است جزو معدود آثاری است که قهرمان آن یک نوجوان است و داستان حول او و اتفاقات زندگی‌اش رخ می‌دهد.اولین تجربه بلند سینمایی محمدرضا خردمندان اگر در زمره خواص آثار سینمایی نباشد اما دست کم چند پله از فیلم هایی که نگاه متفاوتی به جامعه و نوجوانان این دوره و زمانه دارند، بالاتر است؛ هر چند که کارگردان این نظر را نمی پذیرد و معتقد است از ابتدای ایده قرار نبود فیلمش برای نوجوانان باشد و اتفاقا روایتی برای دنیای بزرگسالی است.بیست و یک روز بعد» قصه نوجوانی است که در سر سودای سیمرغ دارد اما زندگی چاله هایی برای او کنده که راه رسیدن به آرزویش منوط به عبور از این زمین پر فراز و نشیب است؛ شبیه همه ما آدم ها که معمولا سختی های پیش چشم مان اجازه نمی دهد راحت به آرزوهای دور و دراز برسیم.به بهانه اکران این اثر سینمایی ساعاتی را با سیدمحمدرضا خردمندان کارگردان فیلم سینمایی «بیست و یک روز بعد»، احسان ثقفی نویسنده و مهدی قربانی بازیگر نوجوان فیلم به بحث نشستیم.«بیست و یک روز بعد» اگرچه قهرمانی نوجوان دارد اما مساله ای را پیش می کشد که شاید بزرگتر ها هم گاهی نتوانند از پس آن برآیند. مخاطبان هدف خودتان کدام رده سنی بود؟محمدرضا خردمندان: زمانی که قرار بر نگارش این فیلم بود هیچ تصوری از اینکه می خواهم کاری برای نوجوانان بسازم نداشتم و دغدغه ام به طور کل چیز دیگری بود و شاید به همین دلیل این فیلم دوپهلو شده است. یعنی یک وجه، نوجوان فیلم است که باید با نگاه خودش مساله ای را که دچارش شده حل کند و در وجه دیگر موضوعی که با آن درگیر است مساله ای نیست که مربوط به سن او باشد و هین آغازگر قصه ماست. ما همراه با داستان رشد روحی و تکامل شخصیت مرتضی را می بینیم چراکه فیلم از منظر نوجوان به یک مساله بزرگانه نگاه می کند به همین خاطر از نظر من مخاطب این فیلم گستره وسیع تری از یک گروه سنی خاص است.افراد بسیاری گفتند شما جسارت به خرج دادید که سراغ سوژه ای از این جنس رفتید.خردمندان: از این جنس فیلم ها در سینمای ایران زیاد نیست. من هنوز هم معتقدم کار ما نوجوانانه نیست چون غالبا سازنده این قبیل فیلم ها درگیر ممیزی و آموزنده بودن فیلم هستند اما «بیست و یک روز بعد» از اولین لحظه دغدغه دیگری داشت و دنبال آموزش دادن به نوجوان نبود و اصلا قصدمان این نبود که فیلمی برای نوجوانان بسازیم.ایده اولیه از کجا شکل گرفت؟خردمندان: مثل همه کارهای کوتاهم ابتدا تصویری در ذهنم داشتم که می خواستم برایش قصه بسازم. تصویر بچه ای که روی ریل راه آهن ایستاده و می خواهد قطار را نگه دارد ایده اولیه فیلمنامه بود. این گذشت تا زمانی که در داروخانه ۱۳ آبان پسربچه ای را دیدم که با مادر بیمارش آمده بودند و یک کیسه دارو دستش بود. احساس کردم این همان بچه ای است که روی ریل راه آهن ایستاده و اینطور شد که جرقه اولیه زده شد. همان شب سکانسی در ذهنم آمد که محسن می خواهد قطار را نگه دارد و نمی گذارند. با خودم گفتم این پسرک برادر اوست و این بازی با یکسری از صحنه های پراکنده در ذهن من کم کم به شکل منسجمی در آمد و من در این مرحله به طرح‌واره ای رسیدم و پس از یک سال از اولین تصویر، با احسان ثقفی وارد صحبت شدم.احسان ثقفی: اوایل سال ۹۳ محمدرضا خردمندان درباره طرحش با من صحبت کرد و از همان اولین تصویری که برایم تعریف کرد قانع شدم که می خواهم در این پروژه حضور داشته باشم. البته من هم تاکید می کنم که قصد نگارش فیلم برای نوجوانان را نداشتیم.چرا انقدر روی این مساله تاکید دارید؟ثقفی: در سینمای ما ژانر نوجوان نامش بد در رفته است. در دهه های اخیر انقدر فیلم های بدی ساخته شده و خانواده ها برای دیدن آنها نرفتند که وقتی نام نوجوان می آید مخاطب هنوز کار را ندیده پس می زند. البته من معتقدم مخاطب اصلی در سینمای امروز دنیا نوجوانان هستند و وقتی یک فیلم یا گیم به بازار می آید این طیف سنی آماده اند و منتظر که از تازه ترین محصولات استفاده کنند. دنیا این را فهمیده و به درستی از آن استفاده می کند اما در کشور ما کاملا برعکس است.شاید دلیل موفقیت «بیست و یک روز بعد» هم این بود که ما ناخودآگاه وارد حیطه نوجوان شدیم و چون آگاهانه نبوده محافظه کارانه هم برخورد نکردیم و همین باعث جذابیت آن شد.اشاره کردید مثل این فیلم در سینمای ما زیاد نیست. تاثیر اولین کارتان را در جامعه مخاطبان چطور دیدید؟خردمندان: خوشبختانه رضایت‌بخش بود و همین که در جشنواره فیلم های کودکان و نوجوانان اصفهان عده‌ای نوجوان اصفهانی من را به کافه ای دعوت کرده و از من تشکر کردند برایم خیلی خوشایند است. من سعی کردم خودم را با سن و سال قهرمان داستان همراه کنم. ما اساسا داستان می خوانیم تا تجربه ای را از سر بگذرانیم و بدون آنکه بابت آن هزینه دهیم تاثیرش را دریافت می کنیم. فیلمی مثل «بیست و یک روز بعد» یک کیس مطالعاتی است و خوشحالم که این فیلم موضوع مسابقه نوجوانان المپیاد رسانه ای بود.قهرمان نوجوان فیلم اگرچه بیم و امید را با هم تجربه کرد اما شادمانی نوجوانی را کم در این فیلم دیدیم.خردمندان: این تصور را که چون قهرمان اصلی فیلم یک نوجوان است باید شادمانه به فیلم نگاه کنیم یا بترسیم از اینکه تلخش کنیم قبول ندارم. مرتضی وارد یک جامعه ای می شود که اتفاقا پر از تلخی است و دنیای ناشناخته‌ای دارد. به نظر من نباید بترسیم و ایزوله برخورد کنیم. اتفاقا به نظر من خیلی زندگی در فیلم جاری و بین کاراکترها امید پیداست. زندگی ترکیب لحظه هایی از غم و شادی است و در فیلم هم وقتی مرتضی در یک سکانس با سختی هایی روبرو می شود در سکانس بعد فضای لطیف تری را تجربه می کند.کمی از کلی گویی فاصله بگیریم. در «بیست و یک روز بعد» امید هست اما شادی آنچنان که از جنس سن و سال نوجوان است دیده نمی شود. چقدر طرز تفکرتان به جغرافیای ما برمی گردد؟ نوجوانان امروز که امکان دیدن دنیا را دارند چقدر در سی سالگی شان مثل ما فکر می کنند. ثقفی: من درباره کشورهای دیگر نمی توانم صحبت کنم ولی بی تعارف بگویم این فیلم علی رغم اینکه در زمان حال اتفاق می افتد از ذهن دو آدمی که دوره نوجوانی را در دهه ۶۰ و اوایل ۷۰ تجربه کردند بیرون آمده است. شاید نوجوانان امروزی خیلی مواجهه جدی‌ای با متن زندگی نداشته باشند که دلیل آن هم بالا رفتن رفاه نسبی و تغییر جنس زندگی امروز نسبت به گذشته است اما نتیجه فیلم مضمونی است که به درد بچه های امروز هم می خورد. خود مهدی قربانی همان قهرمانی است که در نسل جدید دیده می شود. مهدی نماینده نوجوانانی است که آماده اند برای هدف شان هر تلاشی انجام بدهنداز طرفی مرتضی چون خیلی زود وارد ماجرایی سنگین از دیدگاه یک نوجوان می شود خیلی نمی توانستیم این لحظات شاد را خلق کنیم و چیزی که می‌توانستیم جایگزین کنیم امید بود.وجه قهرمان پروری برای این قصه بیشتر کارساز بود مثلا آخر قصه شاید به این فکر می کنیم که مرتضی بعد از بیست و یک روز دوباره چگونه می خواهد داروی مادرش را تامین کند؟ ما این نگرانی مان را اینگونه برطرف کردیم که وقتی برچسب قهرمان را به کاراکترتان می زنید حس امیدی هم شکل می گیرد که از بین نمی رود.آقای قربانی شما هم بازیگر هم به نوعی مخاطب فیلم بودید. بین همسالان خودتان چقدر از این قهرمان ها می شناسید؟مهدی قربانی: قبل از اینکه وارد بازیگری شوم با خانواده های مشکل‌داری که درد سنگینی را با خود حمل می کنند در ارتباط بودم و بارها پیش آمده بود که با آنها وارد گفتگو می شدم و ارتباط داشتم. زمانی که این فیلم به من پیشنهاد شد خوشحال شدم چون امیدوار بودم مردم ببینند و پی ببرند که بخشی از جمعیت کشور ما دچار چه مشکلاتی هستند. اینکه برخی خانواده ها از پس مشکلات شان برنمی آیند و نمی دانیم کی از زندگی کردن لذت می برند، من را اذیت می کند و هنوز هم آزارم می دهد به همین دلیل دوست دارم مردم اینها را ببینند.خردمندان: خود مهدی قربانی همان قهرمانی است که در نسل جدید دیده می شود. مهدی نماینده نوجوانانی است که برای هدف شان آماده اند هر تلاشی انجام بدهند. جالب است بدانید او انتخاب اول من نبود و قرار بود نقش سینا را بازی کند و برای سینا هم تست داد ولی با سماجت نقش را مال خود کرد. این سماجتی که در کاراکتر مرتضی می بینید کاملا در خود مهدی وجود دارد.شاید جالب باشد بدانید همان روزها به من زنگ زد و گفت «ما داریم اسباب کشی می کنیم بیاییم تهران من باید تکلیفم روشن شود که هستم در این پروژه یا نه؟ اگر هستم زودتر بیاییم». به او گفتم تو و خانواده ات تصمیم تان را بر این اساس نگذارید ولی او باز حرفش را تکرار می کرد تا بعدها که فهمیدم کل این ماجرا واقعی نبوده و همه این سناریو را چیده بود که نقش را مال خود کند.قربانی: بعد از اینکه تست دادم رفتم سفر و آقای خردمندان به من پیام داد که بیایم. برگشتم و بعد از سینا برای نقش مهران تست دادم اما آنقدر تلاش کردم تا نقش مرتضی را گرفتم. خردمندان: هر چه جلوتر می رفتم بیشتر متوجه می شدم که مهدی خود مرتضی است با همه ویژگی هایی که برای این نقش در نظر داشتیم. تلاشش واقعا ستودنی است مثلا در صحنه ای که روی ریل راه آهن کتک می خورد شاید ۱۲ بار فیلمبرداری کردیم و در نمی آمد. روی ریل پر از سنگ های تیز بود و ما نمی توانستیم چیزی زیرش بیندازیم و او در همان وضعیت باید کتک و لگد می خورد تا جایی که خود مهدی گفت آقای خردمندان چرا درست حسابی نمی زنند تمام شود؟اگر مهدی بچه ای بود که به زور انتخابش کرده بودم و خودش این حجم انگیزه را نداشت فیلمی مثل «بیست و یک روز بعد» به ثمر نمی نشست و من از این بابت خوش شانس بودم. هر چند که گاهی اوقات به شدت از او دلخور می شدم. چرا؟قربانی: چون همزمان تئاتر کار می کردم و بعضی روزها خیلی خسته بودم و واقعا نمی کشیدم و این باعث دلخوری می شد.خردمندان: از اتفاق های پشت صحنه که هیچکس خبردار نمی شود. برخی محدودیت ها هست که چالش برانگیز می شود و جنگ روانی درست می کند مثلا به ما می گفتند این لوکیشن را فقط یک روز داریم و باید همه سکانس ها را امروز جمع کنید. در شرایطی که بازیگر به شدت خسته است شما مجبورید هر طور شده کار را هندل کنید تا با برنامه جلو بروید.برگردیم به فیلم. بخشی از سکانس های هیجانی فیلم در گیم نت و اتاق پشتی آنجا می گذرد. این بخش از فیلم چطور به ذهنتان رسید؟ثقفی: تصویر کلوپ در ذهن آقای خردمندان بود. او داستانک هایی داشت که می خواست به شکل روایت یا تصویر در قصه بگنجاند. در شخصیت پردازی مرتضی هم این را داشتیم که اهل گیم نت است ولی شرطی بازی نمی کند فقط در فرایند نوشتن باید آن را به منطق روایی قصه وارد می کردیم که این بخش را من انجام دادم.خردمندان: من در نوجوانی خودم به کلوپی در کرج می رفتم که نامش کلوپ داریوش بود. بعد از مدتی متوجه شدم اتفاقات دیگری غیر از بازی در این کلوپ می افتد که ما خبر نداریم و بیشتر مربوط به بزرگترها است. مثلا برخی مانیتورها رویش سمت دیوار بود و بازی های غیرمجازی داشت که ما اجازه نداشتیم سمتش برویم. جالب اینکه یک روز دیدم آنجا را سر همان چیزهایی که ما خبر نداشتیم پلمپ کردند.این را برای احسان که تعریف کردم پیشنهاد داد این دو فضا را از هم تفکیک کنیم تا سینمایی تر شود. همین ایده دو پارت کردن کلوپ تبدیل شد به مرز کودکی و بزرگسالی برسیم و پلانی که مرتضی در اتاق پشتی را باز می کند و پایش را از مرز دو اتاق، فراتر می گذارد نقطه عطف فیلمنامه ماست. او با این حرکت پایش به دنیای بزرگسالی باز شد و حالا باید تاوان این دنیای ناشناخته را بدهد.گریم کاراکتر داریوش هم به تصویر ذهنی برمی گشت؟ به طور کل انتخاب بازیگرها به چه شکل بود؟خردمندان: گریم حمیدرضا آذرنگ هم نزدیک به همان داریوشی بود که در کلوپ بچگی می رفتم. می خواستم داریوش از این پیرهای حریص باشد که زندگی عجیبی دارد و کسی سر از کارش در نمی آورد. وقتی با آقای آذرنگ صحبت کردم دیدم او خیلی بهتر از من اینها را می شناسد و خودش ایده های جالبی داشت. خوشبختانه بعد از خواندن فیلمنامه بدون اینکه نگاهی به قرارداد بیندازد نقش را پذیرفت.ساره بیات نیز اولین گزینه ما بود و هنگام نگارش فیلمنامه به احسان می گفتم تصورت از نقش مادر، فقط ساره بیات باشد چون قدرت چهره اش در چشمانش است و ما از آنجا که قرار بود در نقش بیمار سرطانی صورتش را بهم بریزیم تنها چیزی که قدرت بازی کردن به او را می داد چشم بود. البته چون همزمان سر کار «عاشقانه» بود و نمی توانست موهایش را بتراشد به همین دلیل مجبور شدیم از بالای چشم هایش پوست بکشیم.گویا این مساله بیماری مادر را هم قبلا تجربه کرده بودید.خردمندان: مهدی قربانی به نوجوانی خود من شبیه است. مرتضی با اینکه همه راه های درست و غلط را امتحان کرد اما آخر پول را از قِبَل ایده و استعداد خودش به دست می آورد و هیچ کدام از راه های شرط بندی و دزدی برایش نتیجه نداشتند. تکیه به استعداد درونی همانی است که خودم هم تجربه کردم و فکر می کنم همه ما به این واقف باشیم. من هم در دوره ای مادرم بیمار بود و همه خانواده به شدت درگیر بودیم. نقطه اشتراک من و مهدی این بود که او هم یکی از نزدیکانش دچار این بیماری بود و خوب موقعیت را درک می کرد.قربانی: من هم عمویم سرطان خون داشت و ۲ سال تمام با سختی با این درد و بیماری دست و پنجه نرم کرد و ما از نزدیک شاهد همه این لحظه ها بودیم. جدا از بحث تلاش و پشتکار، خودتان چه عاملی را باعث باورپذیر بودن فیلمتان می دانید؟خردمندان: کارهایی که ریشه در واقعیت دارد باورپذیر می شود. همه فیلمسازان دو سه تا کار ماندگار دارند آن هم به این دلیل که لحظه های این آثار را با وجودشان حس کردند و جلوی دوربین بردند. این ها کارهایی است که نسبت به بقیه فیلم هایشان از همه بیشتر دوست دارند. هرچه فیلم از خودت دورتر شود کار سخت تر است.و کلام آخر؟خردمندان: امیدوارم در این فرصت باقی مانده مردم فیلم را ببینند چون بخشی از زندگی همه ما را روایت می کند آنهم بخشی که کمتر به آن پرداخت شده و حال ما آن را در قالب زندگی یک نوجوان روایت کرده ایم.

تنهایی و خلوت انسانی را به تصویر کشیدم

روایت شبنم شعبانی از نمایشگاه خود در گالری گلستان

سرویس هنری- شبنم شعبانی هنرمند نقاش، که این روزها نمایشگاه آثارش در گالری گلستان برپاست گفت: سعی کرده‌ام در آثارم تنهایی و خلوت انسان را به تصویر بکشم

به گزارش امتیاز؛ این هنرمند نقاش درباره این مجموعه آثار توضیح داد: نمایشگاه اخیر بیست و یکمین تجربه نمایشگاه گروهی و انفرادی من و البته دومین تجربه همکاری من با گالری گلستان است.

وی در خصوص بی‌عنوان بودن نمایشگاه خود اظهار کرد: برای این نمایشگاه عنوانی مشخص نکردم زیرا فکر کردم بیان نگاه درونی که مدنظر دارم، ممکن است، کلیشه‌ای به نظر برسد، لذا نخواستم که نمایشگاه را با عنوانی که ممکن است شعاری به نظر رسد، اجرا کنم.

این هنرمند نقاش درباره مفهوم آثار به نمایش درآمده در گالری گلستان توضیح داد و افزود: در نگاه من عنوان نمایشگاه کنونی تنهایی تن‌هاست، زیرا این معنا که همه ما و بدن‌های‌مان در شرایط خاصی تنها هستیم، مد نظرم بود.

شعبانی ادامه داد: من سعی کردم که در آثار این نمایشگاه فضاها و خلوت‌های انسان‌ها را به تصویر بکشم. خلوت‌هایی که گاهی همه ما ناگزیر از آن هستیم.

وی لحظه‌های تنهایی را منشاء الهام این نمایشگاه خواند و اضافه کرد: همه ما در تنهایی خود بارهای عاطفی مختلفی نظیر: اضطراب، شادی، غم و ... را به دوش می‌کشیم؛ به همین خاطر من سعی کردم که این روزمرگی‌ها را با احساس درونی خود همراه کنم و به تصویر بکشم.

این هنرمند نقاش در پاسخ به این سوال که چرا سوژه تمام آثار زنان هستند، گفت: من اصراری ندارم که کارهایم از جنس زنان باشد اما از آنجایی که من یک زن هستم و دنیا را از نگاه خودم می‌بینم، روی این محور حرکت کردم.

شبنم شعبانی متولد ۱۳۵۹ تهران و فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد دانشکده هنر و معماری است. وی که دوره‌های آموزشی خود را زیر نظر اساتیدی چون منصوره حسینی، احمد وکیلی و ... گذرانده است، بیست و یکمین تجربه نمایشگاه گروهی و سومین نمایشگاه انفرادی خود را در گالری گلستان به نمایش گذاشته است.

این نمایشگاه تا ۸ شهریورماه در گالری گلستان واقع در دروس، خیابان شهید کماسایی، شماره ۳۴ از ساعت ۱۶ تا ۲۰ ادامه دارد.

یک فنجان چای داغ

پنجمین دوسالانه طراحی گرافیک «سرو نقره ای»

دبیر پنجمین دوسالانه «سرو نقره ای» از اضافه شدن بخش گرافیک محیطی به فراخوان امسال و همچنین حذف هیات انتخاب آثار خبر داد. انجمن صنفی طراحان گرافیک ایران به تازگی فراخوان پنجمین دوسالانه طراحی گرافیک «سرو نقره ای» را منتشر کرده که طی آن اعضای انجمن از ۱۱ شهریور تا ۴ مهرماه مهلت دارند تا آثار خود را در بخش های اعلام شده ارائه دهند.ایمان صفایی دبیر پنجمین دوسالانه «سرو نقره ای» درباره این دوره دوسالانه گفت: این روزها کار در حوزه طراحی محیطی بیشتر شده است و بسیاری از سازمان ها می توانند سفارش دهنده چنین آثاری به هنرمند باشند که به همین منظور در فراخوان امسال یک بخش درباره طراحی محیطی اضافه شده که بخش مهمی در فراخوان امسال به شمار می رود و دلیل گنجاندن این بخش در فراخوان امسال فرهنگسازی و توجه دادن سفارش‌دهنده به این بخش است.وی ادامه داد: در این بخش عموما می توانید طراحی علایم و نشانه ها در محیط شهری را ببینید به طور مثال وقتی مترو ایجاد می شود تمام علایم مربوط به آن و تابلوهایی که برایش طراحی می شود در این حوزه می گنجد.این گرافیست در پاسخ به این پرسش که با توجه کمبود سفارش به هنرمندان در این حوزه پیش‌بینی شما درباره تعداد آثار دریافتی چیست، بیان کرد: طراحی گرافیک به طور کلی بر مبنای سفارش است و برای همین ما از میان پروژه هایی که هنرمندان در همه حوزه ها طی ۲ سال اخیر کار کرده اند اثر می پذیریم. حدس می زنم تعداد قابل توجهی اثر به دستمان برسد اما باز هم نیاز به فرهنگسازی در برخی حوزه ها داریم و سازمان های سفارش دهنده باید آگاه شوند که در حوزه ای مانند گرافیک محیطی به چه شکل می توانند سفارش دهند. صفایی در توضیح بیشتر بخش های دوسالانه «سرو نقره ای» نیز گفت: در دو دوره قبل بخش طراحی فونت به فراخوان اضافه شد که بخش تازه و پرطرفداری است. به گمانم در این نمایشگاه در تمام بخش ها شاهد رشد خواهیم بود ولی در این سال ها به طور خاص روی تبلیغات کارهای زیادی شده و این بخش جذاب تر از قبل شده ضمن اینکه در بخش دیجیتال نیز اتفاق های جذابی در حال رخ دادن است.دبیر پنجمین دوره دوسالانه «سرو نقره ای» اظهار کرد: یکی از نکات مهم در فراخوان امسال این است که هیات انتخاب آثار نداریم چون این یک رویداد صنفی است و دوست داریم همه اعضا در آن فعال باشند ما در نحوه ارائه اثر محدودیت گذاشتیم تا همه بتوانند در این دوسالانه شرکت کنند و آثارشان روی دیوار برود و مجبور به گزینش نباشیم چون معتقد هستیم این دوسالانه فرصتی برای دیده شدن کار همه اعضاست و بهتر است گزینش توسط خود اعضا صورت بگیرد و آنها بهترین کارشان را ارسال کنند. امسال هر هنرمند می توانند در دو بخش شرکت کند و در هر بخش با توجه به محدودیت فراخوان می تواند اثر ارایه دهد.صفایی در پایان با بیان اینکه دوسالانه «سرو نقره ای» از زمانی که دوسالانه گرافیک متوقف شد، برپا شد درباره اهمیت برپایی دوسالانه گرافیک گفت: دوسالانه «سرو نقره ای» یک حرکت درون صنفی و مهم است اما جایگاه بی ینال «گرافیک» متفاوت و برگزاری آن قطعا مفید است. به گمانم برگزاری این بی ینال ها را باید به خود انجمن ها واگذار کرد نه اینکه سازمانی برگزار کننده اش باشد که تخصص حرفه ای در آن زمینه ندارد.اسامی شرکت کنندگان نهایی دوسالانه ۲۵ آبان ماه اعلام می شود و ۲ تا ۵ دی ماه نمایشگاه آثار در خانه هنرمندان ایران برپا می شود و همزمان با اختتامیه برگزیدگان آن معرفی می شود.

خداحافظی غیر رسمی رحمت امینی رییس شورای ارزشیابی و نظارت اداره کل هنرهای نمایشی

رییس شورای ارزشیابی و نظارت تئاتر اعلام کرد به دلیل بیشتر شدن مسئولیت هایش در دانشگاه چندی است که به صورت غیررسمی و در گفتگو با مدیرکل هنرهای نمایشی از این شورا خداحافظی کرده است. رحمت امینی رییس شورای ارزشیابی و نظارت اداره کل هنرهای نمایشی درباره شنیده هایی مبنی بر خداحافظی از این شورا گفت: من اردیبهشت ماه سال ۹۵ و بعد از خداحافظی از مرکز هنرهای نمایشی حوزه هنری به دلیل پایان دوره فعالیت ام در آنجا، با پیشنهاد آقای مهدی شفیعی مدیرکل هنرهای نمایشی برای مدت حدود یک سال یعنی تا پایان دوره دولت برای ریاست شورای ارزشیابی و نظارت به توافق رسیدیم.وی ادامه داد: طی این مدت یک سال تقریبا حدود ۷۰ درصد از ایده هایی که داشتم نظیر ساماندهی تئاتر کمدی تهران، تئاتر خصوصی و آوردن نیروهای تازه نفس به شورای ارزشیابی و نظارت عملی شد.امینی یادآور شد: می دانستم با بیشتر شدن مسئولیتم در دانشگاه تهران نظیر پذیرفتن مدیریت گروه هنرهای نمایشی پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران باید تمرکز خود را روی فعالیت های دانشگاهی بگذارم. حتی قرار بود که مردادماه در تماشاخانه سنگلج نمایش «جعفرخان» را در مقام کارگردان روی صحنه ببرم. همان موقع با آقای شفیعی ماجرا را مطرح کردم و گفتم که قصد خداحافظی از شورا را دارم که ایشان پیشنهاد داد تا پایان انتخابات ریاست جمهوری دولت دوازدهم رفتنم را به تأخیر بیندازم که نکته درستی بود. رییس شورای ارزشیابی و نظارت اداره کل هنرهای نمایشی اعلام کرد: حالا که وارد شهریورماه شده ایم و دولت دوازدهم هم آغاز به کار کرده است، اوج فعالیت های دانشگاهی نظیر آزمون عملی دانشجویان شرکت کننده و همچنین پایان نامه های دانشجویی را داریم از این رو در نشستی با آقای مهدی شفیعی مدیرکل هنرهای نمایشی، به صورت شفاهی و غیر رسمی از شورای ارزشیابی و نظارت خداحافظی کردم.وی افزود: ان شاءالله طی یک یا ۲ هفته دیگر فرد جدیدی به عنوان رییس یا سرپرست شورای ارزشیابی و نظارت انتخاب و معرفی می شود و من هم به سراغ کارهای هنری و فعالیت های دانشگاهی ام می روم. البته همچنان به همکاری خود با اداره کل هنرهای نمایشی ادامه خواهم داد.امینی با اشاره به گزارشی که در بخش خبری ۲۰:۳۰ درباره تئاتر پخش شد، اظهار کرد: در مراسم اختتامیه جشنواره تئاتر سوره که به عنوان رییس هیات داوران جشنواره حضور داشتم، خبرنگار محترم باشگاه خبرنگاران جوان گفتگویی را برای این بخش خبری با من انجام داد. در آن مصاحبه توضیحاتی درباره جشنواره ارائه دادم و در دقایق پایانی مصاحبه نیز به پرسش هایی درباره شورای ارزشیابی و نظارت پاسخ دادم. آنجا گفتم که بیش از ۱۰۰ اثر در تهران اجرا می شود که در برخی از این آثار به دلیل زنده بودن تئاتر دیالوگ هایی گفته می شود که در بازبینی نبوده است حتی گفتم بعضی نمایش ها به غلظت حرکات موزون خود برای جذب مخاطب می افزایند.این مدیر، مدرس و کارگردان تئاتر بیان کرد: متأسفانه آن گزارش به شکل ناجوانمردانه ای تنظیم و پخش شد و صدا و سیما تئاتر را بیشتر شبیه غولی بی شاخ و دم نشان داد.

اضافات‌مسعودی

توضیح دادن نشانه ضعف است !

چند وقت پیش ویدئویی از مهران مدیری دیدم که ایشان در آن ویدئو و مصاحبه، یک جمله کلیدی گفت و آنهم این بود که «توضیح دادن نشانه ضعف است». مدیری سپس توضیح داد: «شما هر وقت تلاش می کنید چیزی را بیشتر توضیح بدهید بیشتر ضعیف هستید، در نتیجه قدرت در این است که شما در هیچ زمینه ای هیچ وقت توضیح ندهید و کاری را که به نظرتان صحیح و درست است انجام داده و بدانید که حقیقت هیچ وقت پنهان و پشت ابر نمی ماند و بعد از یکسال، دوسال، پنج سال یا ده سال آنهایی که قضاوت کردند، متوجه اشتباه خودشان می شوند. تجربه ثابت کرده که هرچقدر بیشتر توضیح می دهید بیشتر فحش می خورید و بیشتر به شما حمله می شود تا نهایتاً به جایی می رسید که به گریه می افتید و بعد از آن باز هم فحش خواهید خورد و قضاوت خواهید شد ».

به جرات می گویم که این صحبت های مهران مدیری و تجربه او در این زمینه یکی از بزرگترین درس ها و آموزش های زندگی در جامعه فعلی ماست و من وقتی از این جملات و این نصایح در زندگی شخصی خودم استفاده کردم تازه متوجه شدم که قبلاً چقدر وقت، انرژی و اعصاب خودم را برای توضیح به دیگران، بیهوده تلف می کردم و چقدر اشتباه می کردم .

شاید باور نکنید اما این روش یعنی توضیح ندادن به دیگران، آنقدر جواب می دهد که بعد از چندماه، هرکس که آن را سرلوحه زندگی خودش قرار داده از آرامش روحی و روانی که بخاطر انجام آن نصیبش شده صحبت می کند ودر حال حاضر این تنها نسخه و بهترین راهکار موجود برای بداخلاقی ها و بی فرهنگی های فضای مجازی ماست.

مسعودعطری